



دکتر جعفر رشادتی - دکترای حقوق کیفری و جرم‌شناسی
زیبا زعفری - کارشناس ارشد فقه و مبانی حقوق اسلامی

پیکیده

پیشگیری از جرم، به عنوان یکی از ابزارهای مؤثر در مبارزه با بزهکاری، از موضوعاتی است که در قرن نوزدهم مورد توجه جرم‌شناسان قرار گرفت. نگرش در مقوله پیشگیری با هدف اجرای عدالت از طریق تضمین آزادی‌ها، اصلاح و درمان بزهکار و در صورت ضرورت سرکوب با کیفر بوده است.

در مقاله حاضر، مفهوم عدالت و نقش آن در پیشگیری از جرم از منظر قرآن کریم مورد بررسی قرار گرفته است. ورود به این بحث، مستلزم شناخت اجمالی مفهوم پیشگیری، مفهوم عدل الهی و مقایسه آن با عدالتی است که در نگاه بشری، عادلانه تلقی می‌شود. برای درک مفهوم واقعی پیشگیری عادلانه از بزهکاری، فاصله کردن این پیشگیری در برفی مفاهیم کلی مقوقی یا منصرف نمودن آن به بخش‌هایی از فرایند و اصول دادرسی کافی نبوده و مقدم بر همه این‌ها، بایستی مفهوم عدالت و نقش آن در پیشگیری از جرم شناخته شود که در تمقیق حاضر از منظر قرآن کریم به آن پرداخته می‌شود.

نتیجه‌گیری بحث حاضر نقش به‌سزایی را که اجرای عدالت در پیشگیری یا کاهش بزهکاری دارد، به اثبات می‌رساند.

کلید واژه‌ها: قرآن کریم، عدالت، عدل الهی، عدل بشری، پیشگیری، جرم

درآمد

انسان، طالب اجرای عدالت است و چنین شوقی را در دل دارد. قواعد حقوقی نیز تمایل به اقامه عدل دارد و بر همین مبنا همه رادر پیشگاه قانون برابر می‌داند. با وجود این، در جست و جوی این گم گشته، نزاع‌ها برخاسته است، چندان که بعضی ستم می‌کنند تا اثبات نمایند که منشی عادلانه دارند. تاریخ تمدن انسان، سرگذشت تلاش او در راه تمیز و اجرای عدالت است. پس باید هدف مطلوب حقوق را نیز دادگستری

دانست و عدالت را در تعریف حقوق گنجاند. (کاتوزیان، ۱۳۷۹، ص ۲۱۸)
به دلیل مجرد و نسبی بودن مفهوم عدالت و برخورد اجرای آن با نظم، قواعد حقوق گاه از عدالت فاصله می‌گیرد، هر چند که گرایش به سوی عدل را به عنوان آرمانی مطلوب همیشه حفظ می‌کند. به همین جهت است که در تعریف حقوق، عدالت را در زمره هدف‌های اصلی آن می‌آوریم. (همان)
گرایش به عدالت و تلاش برای استقرار آن

در ابعاد فردی و اجتماعی، از اصول زیر بنایی نظام‌های حقوقی الهی است. این اصل در بعد جزایی، جلوه بیشتری دارد؛ چرا که مستقیماً به ترمیم بی‌عدالتی‌های ناشی از ارتکاب جرم مربوط می‌شود. ارتکاب جرم از دیدگاه اسلام، از یک طرف ظلم به خویش محسوب می‌شود؛ چرا که نتیجه عمل انسان در درجه اول به خود او باز می‌گردد، و از طرف دیگر ظلم به دیگران است؛ چرا که مجرم نوعاً با ارتکاب جرم و محروم نمودن دیگران از حق مشروع خود، به منابع

نامشروعی دست می‌یابد. علاوه بر آن، نقض حرمت احکام الهی است که عقلاً و شرعاً انسان را مستحق مجازات می‌سازد. در چنین شرایطی است که نظام کیفری اسلام برای از بین بردن این بی‌عدالتی‌ها مجازات‌هایی را تشریح کرده است تا با اجرای آنها عدالت برقرار شود. (قیاسی و دیگران، ۱۳۸۰، ص ۳۷۶)

در نوشته حاضر، نقش عدل که سرآغاز هر نوع عدالت است، با دو گونه الهی و بشری آن در بازدارندگی از بزهکاری از منظر قرآن کریم مورد بحث قرار می‌گیرد، برای این منظور شناختن مفهوم جرم، پیشگیری، عدل، تفاوت عدالت



**عدل به معنی اعتدال،
میانه‌روی و دوری از هر نوع
افراط و تفریط در کلیه شؤون
مادی و معنوی است و تفاوت
آن با قسط این است که
قسط در موردی به کار می‌رود
که قابل تقسیط، تقسیم و
سهم‌بندی باشد، خواه امور
مالی باشد یا امور حقوقی.
مرافعه و محاکمه‌ای در بین
باشد یا نباشد.**



الهی و بشری و وجه اشتراک آنها، اثر جداگانه هریک از گونه‌ها در جلوگیری از بزهکاری ضروری می‌نماید.

۱. مفهوم جرم

در قلمرو حقوق جزا بر اساس ماده ۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰: «هر فعل یا ترک فعلی که مطابق قانون قابل مجازات باشد، جرم محسوب می‌گردد». جرم در حقوق جزا، در محدوده قانون تعریف می‌شود. فقهای اسلامی نیز با توجه به مبانی اسلامی، جرم را چنین تعریف

کرده‌اند: «جرم عبارت است از انجام دادن فعل، یا گفتن قول که قانون اسلامی آن را حرام شمرده و بر فعل آن کیفری مقرر داشته است یا ترک فعل یا قول که قانون اسلام آن را واجب شمرده و بر آن ترک آن کیفری مقرر داشته است. این از آنجا نشأت گرفته که هر کس از اوامر و نواهی خدای تعالی سرپیچی کند، برای او کیفر و مجازاتی معین شده است. آن کیفر گاه در دنیا گریبان‌گیر مجرم می‌شود و در این صورت به وسیله امام علیه‌السلام یا نایب او، یعنی حاکم شرع و ولی امر و فقیه جامع‌الشرایط یا قضات منصوب از طرف او به اجرا در می‌آید و گاه کیفر، تکلیفی دینی است که مجرم برای این که گنااهش پوشیده و محو گردد، انجام می‌دهد، تا کفاره گناه او گردد، یا این که کیفر در آخرت مجرم را معذب خواهد داشت و گناهکار در سرای دیگر به سزای عمل زشت و ناهنجار خود خواهد رسید، مگر آن که توبه مجرم مورد پذیرش خدای تعالی قرار گیرد. این تعریفی کلی است که می‌توان آن را بر اثم، معصیت و خطیئه نیز تسری داد. در این تعریف، همه دارای یک ماهیت هستند و عبارتند از نافرمانی خدای تعالی و سرپیچی از اوامر و نواهی او که به دنبال آن استحقاق مجازات وجود دارد.» (فیض، ۱۳۶۹، ص ۶۹)

۲. مفهوم پیشگیری از جرم

«واژه پیشگیری، امروزه در معنی جاری و متداول آن دارای دو بعد است: پیشگیری یا جلوگیری کردن هم به معنی «پیش دستی کردن، پیشی گرفتن و به جلوی چیزی رفتن» و هم به معنی «آگاه کردن، خبر چیزی را دادن و هشدار دادن» است، در جرم‌شناسی پیشگیرانه، پیشگیری در معنی اول آن مورد استفاده واقع می‌شود، یعنی با کاربرد فنون مختلف به منظور جلوگیری از وقوع بزهکاری، هدف به جلوی جرم رفتن و پیشی گرفتن از بزهکاری است، اما از نظر علمی، پیشگیری یک مفهوم منطقی-تجربی است که همزمان با تأملات عقلانی و مشاهدات تجربی ناشی می‌شود. شاید بتوان گفت که به تعداد صاحب نظران جرم‌شناسی، تعریف و طبقه‌بندی (تیپولوژی) از پیشگیری ارائه شده است.» (نجفی

ابرند آبادی، ۱۳۸۲، ص ۲۱)

۳. مفهوم عدل

«عدل و قسط که در برابر ظلم و جور به کار می‌روند، از مسائل مهم است که قرآن روی آنها زیاد تأکید کرده است. در قرآن واژه عدل با تمام مشتقات خود در قرآن بیست و هفت بار، و واژه قسط به صورت‌های گوناگون بیست و سه بار آورده شده است. در نتیجه در هر موردی که محور سخن، عدل و قسط جامعه انسانی باشد، لزوم رعایت عدل و گسترش قسط را فرمان می‌دهد و از هر نوع انحراف از جاده عدل باز می‌دارد.» (سبحانی، ۱۳۸۱، ص ۱۶۸)

«عدل به معنی اعتدال، میانه‌روی و دوری از هر نوع افراط و تفریط در کلیه شؤون مادی و معنوی است و تفاوت آن با قسط این است که قسط در موردی به کار می‌رود که قابل تقسیط، تقسیم و سهم‌بندی باشد، خواه امور مالی باشد یا امور حقوقی. مرافعه و محاکمه‌ای در بین باشد یا نباشد.» (همان، ص ۱۷۴) «در قرآن از توحید گرفته تا معاد و از نبوت گرفته تا امامت و زعامت و از آرمان‌های فردی گرفته تا هدف‌های اجتماعی، همه بر محور عدل استوار شده است. عدل قرآن، همدوش توحید، رکن معاد، هدف تشریح نبوت، فلسفه زعامت و امامت، معیار کمال فرد و مقیاس سلامت اجتماع است، عدل قرآن آنجا که به توحید یا معاد مربوط می‌شود، به نگرش انسان به هستی و آفرینش شکل خاص می‌دهد و به عبارت دیگر نوعی، جهان بینی است.^(۱) آنجا که به نبوت و تشریح و قانون مربوط می‌شود، یک مقیاس و معیار قانون‌شناسی است^(۲) و به عبارت دیگر جای پای برای عقل است که در ردیف کتاب و سنت قرار می‌گیرد و جزء منابع فقه و استنباط به شمار می‌آید؛ آنجا که به امامت و رهبری مربوط می‌شود، یک شایستگی^(۳) است؛ آنجا که پای اخلاق به میان می‌آید؛ آرمانی انسانی است و آنجا که به اجتماع کشیده می‌شود، یک مسؤولیت^(۴) است.» (مطهری، ۱۳۷۲، ص ۶۱) بنای خلقت بر عدل استوار است. از طرفی انسان که از ناحیه خداوند متعال خلیفه الهی در روی زمین قرار داده شده است، مبانی رفتاری خود

در زندگی خصوصی و مراودات عمومی را با هر جایگاهی که دارد، باید بر اساس عدل استوار سازد و با این بیان، در واقع عدل با هر مفهومی ناشی از اراده خداوند خواهد بود و با همین مبانی می‌تواند در اصلاح انسان از نظر شخصیتی و با در اداره اجتماع اثر گذار باشد. بنابراین انسانی که خصوصیات الهی را دارا باشد، در مسیر انحراف و بزهکاری گام بر نمی‌دارد. با این نگرش نقش پیشگیرانه عدل از دو منظر الهی و بشری مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱-۳. عدل الهی

قرآن تصریح می‌کند که نظام هستی و آفرینش، بر عدل و توازن و بر اساس استحقاق‌ها و قابلیت‌هاست. گذشته از آیات زیادی که صریحاً ظلم را از ساحت کبریایی به شدت نفی می‌کند و گذشته از آیاتی که ابلاغ و بیان و اتمام حجت را از آن جهت از شؤون پروردگار می‌شمارد، که نبود این‌ها نوعی ظلم و ستم است و گذشته از آیاتی که اساس خلقت را بر حق، که ملازم با عدل است، معرفی می‌نماید، در برخی از آیات، از مقام فاعلیت و تدبیر الهی به عنوان قیام به عدل یاد می‌کند. (مطهری، پیشین، ۵۹)

«شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَالْمَلَائِكَةُ وَأُولُو الْعِلْمِ قَائِمًا بِالْقِسْطِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ»^(۵)
 «خدا که همواره به عدل قیام دارد، گواهی می‌دهد که جز او هیچ معبودی نیست و فرشتگان و دانشوران (نیز گواهی می‌دهند که) جز او که توانا و حکیم است، هیچ معبودی نیست»

و یاد را ترازوی خدا در امر آفرینش می‌داند: «وَالسَّمَاءَ رَفَعَهَا وَوَضَعَ الْمِيزَانَ»^(۶) «و آسمان را برافراشت و ترازو را گذاشت» در ذیل همین آیه رسول خدا فرموده است: «بِالْعَدْلِ قَامَتِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ»^(فیض کاشانی، ۱۴۱۵ هـ.ق، ص ۴۳۸)

عدل از صفات خداوند متعال است و علت این که برخلاف سایر صفات نظیر، اراده، علم، قدرت، جزء اصول دین شیعه شمرده شده است. این است که اهل سنت در مسأله عدل با شیعه اختلاف دارند. (همان، ص ۸۶) ظلم در خصوص خداوند متعال به صراحت آیات قرآنی منتفی است: «أَلَمْ يَأْتِهِمْ نَبَأُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ قَوْمِ نُوحٍ

وَ عَادٍ وَ ثَمُودَ وَ قَوْمِ إِبْرَاهِيمَ وَ أَصْحَابِ مَدْيَنَ وَ الْمُؤْتَفِكَاتِ أَتَتْهُمْ رُسُلُهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ فَمَا كَانَ اللَّهُ لِيَظْلِمَهُمْ وَ لَكِن كَانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ»^(۷)
 «آیا گزارش (حال) کسانی که پیش از آنان بودند، قوم نوح و عاد و ثمود و قوم ابراهیم و اصحاب مدین و شهرهای زیر و رو شده به ایشان نرسیده است؟ پیامبران‌شان دلایل آشکار برایشان آوردند. خدا بر آن نبود که به آنان ستم کند، ولی آنان بر خود ستم روا می‌داشتند»

عدل الهی، آثاری دارد که می‌تواند در نگرش پیشگیرانه از وقوع جرم و انحراف مورد استفاده قرار گیرد. نگرشی که در حقوق جزا یکی از اهداف مجازات تلقی می‌شود.

در قرآن کریم در موارد متعددی آیاتی وجود دارد که در خصوص برابری مجرمین با مسلمین^(۸)، فجار با متقین^(۹)، مؤمن و فاسق^(۱۰)، گناهکار و مؤمن^(۱۱) سؤال‌هایی مطرح می‌شود. بی‌شک وجود روز معاد که یکی از دلایل آن عدل الهی است، می‌تواند پاسخ این سؤال را بدهد که همه افراد عقاب و ثواب اعمال خود را خواهند دید. این پاسخ‌دهی به نتایج اعمال دنیوی در آخرت و از طرف دیگر اطلاع از عاقبت اعمال مجرمانه، اثر بازدارندگی مناسبی از خود به جای می‌گذارد.

الف) حتمیت مجازات

حساب و جزای دقیق و عادلانه روز قیامت، به صراحت آیات قرآن، مؤید حتمیت مجازات و سزای اعمال گناهکاران است. «وَنَضَعُ الْمَوَازِينَ الْقِسْطَ لِيَوْمِ الْقِيَامَةِ فَلَا تُظْلَمُ نَفْسٌ شَيْئًا وَ إِنْ كَانَ مِثْقَالَ حَبَّةٍ مِنْ خَرْدَلٍ أَتَيْنَا بِهَا وَ كَفَىٰ بِنَا حَاسِبِينَ»^(۱۲)

و ترازوهای داد را در روز رستاخیز می‌نهییم. پس هیچ کس (در) چیزی ستم نمی‌بیند و اگر (عمل) هم وزن دانه خردلی باشد، آن را می‌آوریم و کافی است که ما حساب‌رس باشیم»

«این آیه اشاره به حساب و جزای دقیق و عادلانه قیامت می‌کند تا افراد بی‌ایمان و ستمگر بدانند به فرض که عذاب این دنیا دامانشان را نگیرد، مجازات آخرت حتمی است و دقیقاً تمام اعمالشان مورد محاسبه قرار می‌گیرد. قسط، گاهی به معنی عدم تبعیض و گاه به معنی عدالت

به طور مطلق می‌آید و مناسب در این جا معنی دوم است. جالب این که قسط در این جا به عنوان «صفت» برای «موازین» ذکر شده است. این ترازوی سنجش آن چنان دقیق و منظم است که گویی عین عدالت است.» (مکارم شیرازی، ۱۳۸۱، ص ۴۲۲)

ب) مجازات متخلف

«يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ إِنَّا كُنَّا نَمُتُّكَم بِالْحَقِّ وَأَنَّا كُنَّا فِيكُمْ كَاكِبًا إِنَّكُمْ عَلَىٰ أَعْيُنِنَا وَإِنَّا لَجَاهِلُونَ»^(۱۳)
 «ای پسرک من، اگر (عمل تو) هم وزن دانه خردلی و در تخته‌سنگی یا در آسمان‌ها یا در

ارتکاب جرم از دیدگاه اسلام، از یک طرف ظلم به خویش محسوب می‌شود؛ چرا که نتیجه عمل انسان در درجه اول به خود او باز می‌گردد، و از طرف دیگر ظلم به دیگران است؛ چرا که مجرم نوعاً با ارتکاب جرم و محروم نمودن دیگران از حق مشروعی خود، به منابع نامشروعی دست می‌یابد.

زمین باشد، خدا آن را می‌آورد که خدا بس دقیق و آگاه است.»
 عدالت الهی ایجاب می‌کند متخلف به مجازات برسد. در آیه ۴۷ سوره انبیاء نیز همان‌گونه که ذکر شد، متخلف به طور حتم مجازات می‌شود. در قیامت، حسابگر خداوند است؛ خدای عالم و عادل و عزیز که به احدی ظلم نمی‌کند و حساب او از هر حسابگر دیگری کفایت می‌کند. (قرآنی، ۱۳۸۱، ص ۱۹۷)

حتمیت و قطعی بودن مجازات متخلف که در

جمله‌های گوناگون مجرم، کافر، ظالم، فاسق و بروز می‌کند، اثر پیشگیرنده اجتناب ناپذیری خواهد داشت؛ چه این که فرد می‌داند که ذره‌ای خیر و شر در قیامت به حکم عدل الهی قابلیت محاسبه و مؤاخذه خواهد داشت؛ «فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ»^(۱۴)

«پس هر که هم وزن ذره‌ای نیکی کند (نتیجه) آن را خواهد دید و هر که هم وزن ذره‌ای بدی کند (نتیجه) آن را خواهد دید»

ج) ضمانت اجرا

عدل الهی به لحاظ حتمیت مجازات و نیز مجازات متخلفین، در واقع ضمانت اجرای کج مداری‌های دنیوی است. نبود ضمانت اجرا در مواقعی که انذار صورت می‌گیرد و حکمی برای انسان‌ها و مکلفین بیان می‌شود، موجب بی‌توجهی و تزلزل در اجرای



مفاد حکم می‌شود، عدل الهی تضمینی است برای این که عالمیان بدانند خداوند متعال آگاه و ناظر است و همه افراد نتایج اعمال خود را دریافت خواهند کرد. نظریه‌پردازان حقوق کیفری و جرم‌شناسی، حتمیت و قطعیت اجرای مجازات را یکی از عوامل مهم پیشگیری از بزهکاری می‌دانند، در سال ۱۷۶۴ بکاریا با انتشار کتاب «جرایم و مجازاتها» تحول‌شگرفی در حقوق جزا به وجود آورد، به نحوی که افکار او پایه‌گذار اصلاحاتی عمیق در مجموعه مقررات جزایی اروپا و امریکا گردید. در اندیشه‌های او ضروری و یقینی بودن اجرای مجازات و قاطعیت آن، از تکرار جرم و نیز از وقوع جرم در آینده جلوگیری می‌نماید. (نوربها، ۱۳۸۶، ص ۱۰۳)

۳-۲. عدل بشری

اجرای عدالت، نقش به‌سزایی در کاهش جرم

و پیشگیری از بزهکاری دارد. تأکید به عدل الهی و اجرای عدالت توسط حکومت اسلامی در قرآن، علی‌رغم تفاوت‌های مبنایی عدل الهی و عدل بشری، مؤید این نقش است. اجرای عدالت در پیشگیری، از آن چنان اهمیتی برخوردار است که مجمع عمومی سازمان ملل طی تصمیم شماره ۵۶/۱۱۹ و از کنگره یازدهم (۲۰۰۵ بانکوک) در تاریخ نوزدهم دسامبر ۲۰۰۱ عنوان کنگره‌های پنج سالانه پیشگیری از جرم و اصلاح بزهکاران را به «پیشگیری از جرم و عدالت کیفری» تغییر داد. (ابراهیمی، ۱۳۸۶، ص ۳۵)

با این پیش درآمد اجرای عدالت از منظر بشری در قرآن کریم را مورد بررسی قرار می‌دهیم که بی‌شک رعایت آن در هر یک از اقسام تأثیر به‌سزایی در پیشگیری از جرم خواهد داشت.

۱-۲-۳. عدالت در حکومت

«إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ إِنَّ اللَّهَ نِعِمَّا يَعِظُكُمْ بِهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ سَمِيعًا بَصِيرًا»^(۱۵)

«خداوند به شما فرمان می‌دهد که امانت‌ها را به صاحبان آن برسانید و هنگامی که میان مردم داوری می‌کنید، از روی عدالت داوری کنید. خداوند پند و اندرزهای خوبی به شما می‌دهد، خداوند شنوا و بیناست.»

قسمت دوم آیه، به دستور مهم دیگری اشاره دارد و آن مسأله عدالت در حکومت است. آیه می‌گوید: خداوند به شما فرمان داده که به هنگامی که میان مردم قضاوت و حکومت می‌کنید، از روی عدالت حکم کنید. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۱، ص ۴۳۰)

به زمامداران امر می‌کند که در میان مردم به عدالت حکم کنند. نظیر آن، این آیه است «يَا دَاوُدُ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ فَاحْكُم بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ وَلَا تَتَّبِعِ الْهَوَىٰ فَيُضِلَّكَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ إِنَّ الَّذِينَ يَضِلُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ بِمَا نَسُوا يَوْمَ الْحِسَابِ»^(۱۶) «ای داود ما تو را خلیفه (و نماینده خود) در زمین قرار دادیم، در میان مردم به حق داوری کن و از هوای نفس پیروی منما که تو را از راه خدا منحرف می‌سازد. کسانی که از راه خدا گمراه شوند، عذاب شدیدی به خاطر فراموش کردن روز حساب دارند.»

«حکم در میان مردم لازم است از روی کمال

خلوص نیت و صفای باطن و بدون در نظر گرفتن استفاده شخصی، اظهار تعصب یا تحت تأثیر صفات باطنی مخصوصاً بخل و حسد صورت گرفته و حقیقت حکم را آن طوری که عادلانه است، اظهار کند. این امر از مسائل مهمی است که بسیار باید مورد اهتمام و دقت قرار گیرد و با کمال اهمیت به خصوصیات و شرایط آن توجه کافی شود. (مصطفوی، ۱۳۸۰، ص ۳۳)

عدالت در حاکمیت، در قالب تدوین قوانین، عملکرد درست مجریان اجرایی و قضایی نمود پیدا می‌کند. قوانین عادلانه، منطبق با نیازهای جامعه، وجود حاکمان صالح و دادرسی عادلانه از ناحیه قضات، در جلوگیری از ارتکاب بزه مؤثر است.

در واقع اجرای عدالت از ناحیه حاکمان و قضات، می‌تواند آثار مستقیم روی عوامل مختلف جرم‌زا داشته باشد، به طوری که ناعدالتی و تبعیض را که از عوامل محرک ارتکاب جرم از ناحیه افراد تلقی می‌گردند، از بین ببرد. از طرفی تهدیدی برای آنان که تصمیم به ارتکاب عمل مجرمانه دارند، محسوب می‌شود؛ از این جهت که مجرم اطمینان حاصل می‌کند در صورت ارتکاب بزه، عدالت توسط حاکمان عادل اجراء و مرتکب جرم به مجازات خواهد رسید.

۲-۲-۳. عدالت اجتماعی

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ شُهَدَاءَ لِلَّهِ وَ لَوْ عَلَىٰ أَنْفُسِكُمْ أَوِ الْوَالِدِينَ وَالْأَقْرَبِينَ إِنَّ يَكُنْ غَنِيًّا أَوْ فَاقِرًا فَإِنَّهُ أُولَىٰ بِهِمَا فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىٰ أَنْ تَعْدِلُوا وَإِنْ تَلَوُّوا أَوْ نَعَرَضُوا فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا»^(۱۷)

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید، کاملاً قیام به عدالت کنید، برای خدا گواهی دهید اگر چه (این گواهی) به زیان شما یا پدر و مادر یا نزدیکان شما بوده باشد؛ چه این که اگر آنها غنی یا فقیر باشند، خداوند سزاوارتر است که از آنها حمایت کند، بنابراین از هوی و هوس پیروی نکنید که از حق منحرف خواهید شد، و اگر حق را تحریف کنید یا از اظهار آن اعراض نمایید، خداوند به آنچه انجام می‌دهید، آگاه است.»

این آیه، به تمام افراد با ایمان فرمان می‌دهد که

قیام به عدالت کنند. قیام به کار، کنایه از تصمیم و عزم راسخ و اقدام جدی درباره آن است، اگرچه آن کار همانند حکم قضایی احتیاج به قیام و حرکتی نداشته باشد و نیز ممکن است تعبیر به قیام از این نظر باشد که قائم معمولاً به چیزی می‌گویند که عمود بر زمین بوده باشد و کمترین میل و انحرافی به هیچ طرف نداشته باشد. یعنی باید آن چنان عدالت را اجرا کنید که کمترین انحرافی به هیچ طرف پیدا نکند. «مکارم شیرازی، ۱۳۸۱، ص ۱۶۱»

«قسط، به معنی رسانیدن چیزی به مورد و محل خود است که باید در آنجا قرار گیرد و این معنی از مصادیق عدل حساب می‌شود. چنانچه خارج کردن آن از مورد خود، از مصادیق ظلم حساب خواهد شد و از مصادیق اقامه قسط، ایفاء حقوق شخصی یا عمومی، مالی یا معنوی به موارد لازم آنهاست، به طوری که حق کسی را ضایع نکرده، برخلاف حقیقت اظهار نظر نموده، اموال دیگران را به هر عنوان جعلی تلف نکرده و ستمی از او دیده نشود.» (مصطفوی، ۱۳۸۰، ص ۲۴۳)

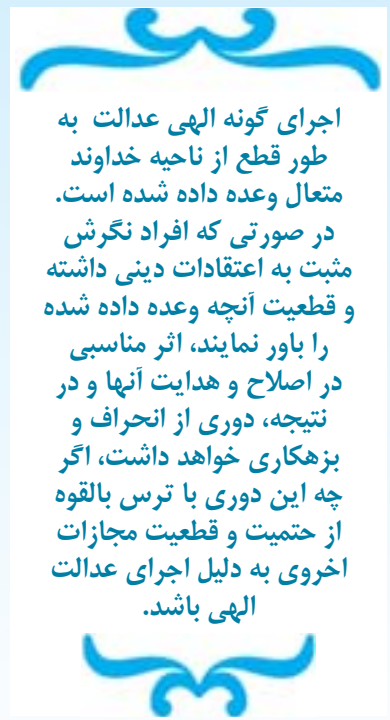
همان گونه که حکومت باید با مردم براساس عدل رفتار کند، مردم نیز باید در روابط خود با یکدیگر مطابق با عدل و انصاف عمل کنند. اگر جامعه را به یک هرم تشبیه کنیم، بایستی عدل هم در رأس و هم در قاعده آن حاکمیت داشته باشد. احسان، بالاتر از عدل است؛ عدل باعث رسیدن هر کس به حقوق خویش است و احسان مقدم داشتن دیگران بر خود و تلاش برای ایجاد رفاه و آسایش برای مردم است که برخاسته از روح ایثار، از خودگذشتگی، بزرگواری و مروت است. البته از نظر کلی و اجتماعی، عدالت بهتر از احسان و جود است. (جعفری، ۱۳۸۱، ص ۵۸۶)

مراد از عدالت اجتماعی در واقع رعایت عدالت و انصاف در روابط اجتماعی است. (قرشی، ۱۳۷۷، ص ۴۹۲)

همانند آیه فوق‌الذکر، آیه ۹۰ سوره نحل نیز به عدالت اجتماعی اشاره دارد:

«إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَ يَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَ الْبَغْيِ يَعِظُكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ» «هر چند لفظ عدالت مطلق

است و شامل عدالت فردی و عدالت اجتماعی می‌شود، لیکن ظاهر سیاق آیه این است که مراد از عدالت، عدالت اجتماعی است و آن عبارت از این است که با هر یک از افراد جامعه طوری رفتار شود که مستحق آن است و در جایی جای داده شود که سزاوار آن است. این خصلتی اجتماعی است که فرد فرد مکلفین مأمور به انجام آنند، به این معنا که خدای سبحان دستور می‌دهد هر یک از افراد اجتماع عدالت را بیاورد و لازمه آن این می‌شود که امر متعلق به مجموع نیز بوده باشد. پس فرد فرد، مأمور به اقامه این حکمند و جامعه نیز که حکومت عهده‌دار زمام آن است.» (طباطبایی، ۱۳۷۴، ص ۴۹۷)



با این اوصاف، جامعه‌ای که عدالت اجتماعی در آن حکمفرما باشد، به خودی خود یک نظام اجتماعی مبتنی بر پیشگیری از وقوع و تکرار انحرافات و جرایم خواهد بود. به نوعی که همه افراد در اجرای عدالت ایفای نقش نموده و با این بیان نیازهای اجتماعی، فرهنگی، سیاسی که با توزیع عادلانه امکانات و رعایت عدالت بین افراد اجتماع رفع می‌شود، از تهدید به تحقق بزهکاری، به فرصتی برای پیشگیری از ارتکاب آن تبدیل می‌گردد.

۳-۲-۳. عدالت اقتصادی

در آیه ۲۵ سوره حدید آمده است: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَ الْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ وَ أَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَ مَنَافِعُ لِلنَّاسِ وَ لِيَعْلَمَ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ وَ رُسُلَهُ بِالْغَيْبِ إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ» «ما رسولان خود را با دلایل روشن فرستادیم، و با آنها کتاب (آسمانی) و میزان شناسایی حق و قوانین عادلانه نازل کردیم، تا مردم قیام به عدالت کنند، و آهن را نازل کردیم که در آن قوت شدیدی است و منافی برای مردم، تا خداوند بداند چه کسی او و رسولانش را یاری می‌کند، بی‌آن که او را ببیند، خداوند قوی و شکست‌ناپذیر است.» بعضی می‌گویند «نازل کردیم صفت میزان را تا آن که مردم در معاملاتشان قیام به قسط کنند.» یعنی به عدل داد و ستد کنند. (مترجمان، ۱۳۶۰، ص ۲۴۲)

«مفسرین میزان را به همان ترازو که دارای دو کفه است و سنگینی‌ها را با آن می‌سنجند، تفسیر کرده‌اند و جمله «لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» را غایت و غرض انزال میزان دانسته و گفته‌اند: معنای جمله این است که ما ترازو را نازل کردیم تا مردم را به عدالت در معاملات خود عادت دهیم و در نتیجه دیگر خسارت و ضرری نبینند و اختلالی در وزن‌ها پدید نیاید و نسبت میان اشیاء مضبوط شود؛ چون قوام زندگی بشری، به اجتماع است و قوام اجتماع به معاملاتی است که در بین آنان دائر است و یا مبادلاتی که با دادن این کالا و گرفتن آن کالا صورت می‌گیرد. معلوم است که قوام این معاملات و مبادلات در خصوص کالاهایی که باید وزن شود، به این است که نسبت میان آنها محفوظ شود و این کار را ترازو انجام می‌دهد. تفسیر دیگر برای میزان دین است؛ دین عبارت از چیزی است که عقاید و اعمال شخص با آن سنجیده می‌شود و این سنجش، مایه قوام زندگی انسان اجتماعی و انفرادی است و این احتمال با سیاق کلام که متعرض حال مردم از حیث خشوع و قساوت قلب و جدیت و سهل‌انگاریشان در امر دین است، سازگارتر است.

بعضی هم گفته‌اند مراد از میزان، عقل است.»

(همان، ۳۰۱) در تفسیر نمونه، مراد از میزان، مصداق مفهومی آن است. یعنی احکام و قوانین الهی و یا آیین او معیار سنجش نیکی‌ها و بدی‌ها و ارزش‌ها و ضد ارزش‌ها است. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۱، ص ۳۷۱) در آیات اول تا سوم سوره مطففین نیز رعایت میزان در معاملات مورد تأکید قرار گرفته است: «وَيْلٌ لِلْمُطَفِّفِينَ الَّذِينَ إِذَا أَكْتَالُوا عَلَى النَّاسِ يَسْتَوْفُونَ وَإِذَا كَالُوهُمْ أَوْ وَزَنُوهُمْ يُخْسِرُونَ» «وای بر کم‌فروشان. آنها که وقتی برای خود کیل می‌کنند، حق خود را به طور کامل می‌گیرند، اما هنگامی که می‌خواهند برای دیگران کیل یا وزن کنند، کم می‌گذارند!» در جوامعی که اقتصاد سالم با رعایت عدالت اقتصادی برقرار است، فقر و زراندوزی نمی‌تواند عامل مؤثر ظهور پدیده مجرمانه باشد و تأثیر مستقیم در جلوگیری از وقوع یا تکرار جرایم مالی خواهد داشت.

نتیجه

عدالت با هر یک از گونه‌های الهی و بشری، در صورتی که به اجرا درآید، می‌تواند در جلوگیری از ارتکاب بزه ایفای نقش نماید، اگر چه شیوه اثرگذاری هر یک از آنها متفاوت باشد.

اجرای گونه الهی عدالت به طور قطع از ناحیه خداوند متعال وعده داده شده است. در صورتی که افراد نگرش مثبت به اعتقادات دینی داشته و قطعیت آنچه وعده داده شده را باور نمایند، اثر مناسبی در اصلاح و هدایت آنها و در نتیجه، دوری از انحراف و بزهکاری خواهد داشت، اگر چه این دوری با ترس بالقوه از حتمیت و قطعیت مجازات اخروی به دلیل اجرای عدالت الهی باشد.

در گونه بشری عدالت، با توجه به دخالت نهادهای مختلف حاکمیتی در اداره زندگی بشری در هر اجتماعی، نقش هر یک از آنها در پیشگیری از بزهکاری اجتناب ناپذیر می‌نماید. در اغلب نظام‌های حقوقی، قوه قضاییه اجرای عدالت کیفری را عهده‌دار بوده و به طور عمده پیشگیری از طریق کیفر یا به عبارتی نوع واکنشی آن را عهده‌دار می‌باشد. قوه مقننه می‌تواند قوانینی در راستای نیازهای اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و تصویب نماید که این قوانین به تناسب رفع نیازهای جامعه در اجرای عدالت کیفری، اقتصادی و اجتماعی اثرگذار باشد. قوه اجرایی نیز با تشخیص دقیق نیازها و پیشنهاد تصویب

قوانین و اجرای درست آنها، می‌تواند در اجرای هر سه گونه عدالت بشری، دو قوه دیگر را یاری کند که در هر حال نقش دو قوه اجرایی و تقنینی در پیشگیری از بزهکاری، با دو گونه کنشی و واکنشی قابلیت انطباق دارد. بنابراین، با توجه به نگرش جامع قرآن کریم در مبحث عدالت که در واقع با هدف راهنمایی بشر برای رسیدن به سعادت دنیوی و اخروی صورت گرفته است، الگو برداری حاکمیت‌ها در کلیه جوامع بشری از هدایت‌های قرآن کریم می‌تواند در صورت اجرای دقیق فرامین آن در جلوگیری از کجروی‌ها در آن جامعه تأثیرگذار باشد. به طور کلی، عدالت الهی و بشری از منظر قرآن کریم، گونه‌های مختلف پیشگیری، کنشی و واکنشی، مورد نظر در حقوق جزا و جرم شناسی را تحت پوشش قرار می‌دهد. بنابراین اجرای عدالت مورد نظر قرآن کریم موجب تضمین آزادی‌ها و اصلاح و درمان بزهکاران می‌گردد. عدالت قرآنی، مبارزه با عوامل بزهکاری که در فرد یا اجتماع وجود دارد را در اولویت قرار می‌دهد و سرکوب یا کیفر به عنوان ضرورت مورد استفاده قرار می‌گیرد.

پی‌نوشت‌ها:

- ۱- انبیاء، ۴۷
- ۲- حدید، ۲۵
- ۳- بقره، ۱۲۴
- ۴- مائده، ۹۵؛ طلاق، ۲
- ۵- آل عمران، ۱۸
- ۶- الرحمن، ۷
- ۷- توبه، ۷۰
- ۸- قلم، ۳۷
- ۹- صاد، ۲۸
- ۱۰- سجده، ۱۸
- ۱۱- جاثیه، ۲۱
- ۱۲- انبیاء، ۴۷
- ۱۳- لقمان، ۱۶
- ۱۴- زلزله، ۷ و ۸
- ۱۵- نساء، ۵۸
- ۱۶- صاد، ۲۶
- ۱۷- نساء، ۱۳۵

فهرست منابع

- ۱- ابراهیمی، شهرام، «کنگره‌های پنج سالانه

پیشگیری از جرم و عدالت کیفری؛ دستاوردها و دورنماها»، مجله حقوقی دادگستری، شماره‌های ۵۳ و ۵۲، ۱۳۸۴.

۲- جعفری، یعقوب، **تفسیر کوثر**، جلد دوم، قم، انتشارات هجرت، ۱۳۸۱

۳- سبحانی، جعفر، **تفسیر منشور جاوید**، جلد سیزدهم، قم، انتشارات موسسه امام صادق(ع)، ۱۳۸۱

۴- فیض، علیرضا، **مقارنه و تطبیق در حقوق جزای عمومی اسلام**، جلد اول، تهران، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۹

۵- فیض کاشانی، ملاحسن، **تفسیر الصافی**، جلد دوم، محقق: حسین اعلمی، تهران، انتشارات الصدر، ۱۴۱۵ هـ. ق. ۶- قرائتی، محسن، **معاد**، تهران، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، ۱۳۸۱

۷- قرشی، سیدعلی اکبر، **تفسیر احسن الحدیث**، جلد پنجم، تهران، بنیاد بعثت، ۱۳۷۷

۸- قیاسی، جلال الدین؛ دهقان، حمید؛ خسرو شاهی، قدرت‌الله، **مطالعه تطبیقی حقوق جزای عمومی؛ اسلام و حقوق موضوعه**، قم، پژوهشکده حوزه و دانشگاه، چاپ اول، ۱۳۸۰

۹- کاتوزیان، ناصر، **کلیات علم حقوق**، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۷۹

۱۰- مترجمان، **مجمع البیان فی تفسیر القرآن**، جلد بیست و چهارم، محقق: رضا ستوده، تهران، انتشارات فراهانی، ۱۳۶۰

۱۱- مصطفوی، حسن، **تفسیر روشن**، جلد ششم، تهران، بنگاه ترجمه و مرکز نشر کتاب، ۱۳۸۰

۱۲- مطهری، مرتضی، **مجموعه آثار**، جلد اول، قم، انتشارات صدرا، ۱۳۷۲

۱۳- مکارم شیرازی، ناصر، **تفسیر نمونه**، جلد‌های ۴، ۱۳ و ۲۳، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۱

۱۴- طباطبایی، علامه محمدحسین، **تفسیر المیزان**، مترجم: سیدمحمدباقر موسوی همدانی، جلد‌های ۱۹، ۱۲، قم، دفتر انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۷۳

۱۵- نجفی ابرنآبادی، علی حسین، «**پیشگیری از بزهکاری و پلیس محلی**»، مجموعه مقالات پیشگیری، تهران، مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضاییه، ۱۳۸۲

۱۶- نوریها، رضا، **زمینه حقوق جزای عمومی**، تهران، انتشارات گنج دانش، ۱۳۸۶